

ملی شدن صنعت نفت پنج سؤال از سه کارشناس

مصدق از مسائل بین‌المللی و میزان و قدرت نفت ایران در بازار بین‌المللی مطلع نبودند، به همین دلیل برآورد بیش از واقع از میزان فشاری که قطع نفت ایران می‌تواند بر اقتصادی جهانی وارد کنند داشتند. بنابراین حداکثرها را پیگیری کردند، وگرنه شاید ایران می‌توانست به توافقات مطلوبی با دولت انگلیس دست یابد. نظر شما در این مورد چیست؟

۲) این موضوع مطرح می‌شود که بعد از ملی شدن نفت و خلع ید از شرکت نفت انگلیس با توجه تحریم انگلستان و حضور ناوگان انگلیس در منطقه و محدود شدن بازار صادراتی نفت ایران و با توجه به اینکه در آن زمان مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران بسیار محدود بود پالایشگاه آبادان با مشکل تقاضا مواجه شد و دولت دکتر مصدق برای جلوگیری از تعطیل پالایشگاه مجبور شد مصرف فرآورده‌ها را در داخل کشور تشویق کند و شاید این اولین مقدمه بر توسعه بی‌رویه مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران بوده است. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید.

۳) بعضی صاحب‌نظران معتقدند که با توجه به نیاز کشور به سرمایه و تکنولوژی در صنایع نفت دولت ایران دیر یا زود مجبور می‌شد که مجدداً شرکت‌های بین‌المللی را بکار گیرد بنابراین شاید به جای ملی کردن نفت، دولت می‌توانست به قراردادهای عادلانه‌تری (که در بعضی نقاط دیگر جهان متداول شده بود) دست یابد. اعتقاد شما در این مورد چیست؟

۴) وجه تمایز اساسی قراردادی که بعد از سقوط دولت دکتر مصدق با شرکت‌های نفتی (کنسرسيوم) منعقد شد با قراردادی که قبل از ملی شدن نفت وجود داشت چه بوده است؟
۵) آثار و تبعات نهضت ملی شدن نفت به عنوان یک نهضت عظیم ملی بر عملکرد دولتهای بعدی (در بهره‌برداری سیاسی، روانی در مذاکرات با طرفهای خارجی) در بخش نفت چه بوده است؟

بی‌تردید نهضت ملی شدن صنعت نفت، یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر کشور ماست که هم‌زمان با تغییر شرایط حاکمیت و نحوه بهره‌برداری از نفت در بسیاری از دیگر کشورهای عمده صاحب ذخایر نفت به وقوع پیوست. دستیابی به این باور مهم که ایرانی می‌تواند بر صنعت خود حاکمیت داشته و بر آن مدیریت کند از دستاوردهای اساسی آن بود.

این واقعه به یاد ماندنی تاکنون از دیدگاههای مختلف از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان مورد نقد و بررسی قرار گرفته، اما نکته قابل توجه این است که باید هر حادثه تاریخی را در مجموعه شرایط و ظرف زمانی خود مورد بررسی قرار داد و تنها در این صورت عادلانه بوده و می‌تواند راهگشا برای حال و آینده باشد.

«ماهنامه اقتصاد انرژی» به منظور بزرگداشت سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت و در جهت پرداختن به برخی از ابعاد ناگفته آن سؤالاتی را طرح و در اختیار برخی از صاحب‌نظران و کارشناسان قرار داد.

در فرصت پیش‌بینی شده پاسخ آقایان: دکتر محمدعلی موحد، رئیس اسبق امور حقوقی و مشاور فعلی حقوقی شرکت ملی نفت ایران و محقق و نویسنده کتابهای «نفت ما و مسائل حقوقی آن»، و «خواب آشفته نفت»، همچنین محمد ترکمان، نویسنده، محقق و مورخ معاصر کشور و مهندس حسن خسروی‌زاده، کارشناس مسائل انرژی و عضو هیئت‌مدیره انجمن اقتصاد انرژی در اختیارمان قرار گرفت که با تشکر و قدردانی فراوان از این عزیزان ذیل از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد:

و اما پنج سؤال مورد نظر به شرح زیر است:

آخرین گروه خارجی کارکنان انگلیسی پس از خلع ید در فرودگاه آبادان



پاسخ دکتر موحد

۱) نظری که سؤال اول بر مبنای آن طرح شده است قابل تقسیم بر دو بخش می‌باشد.

پاسخ بخش اول مثبت است. آری اطلاع کافی از موقعیت کارتل بین‌المللی نفت و بندوبستهای آنها و شرایط و مقتضیات بازار جهانی نفت وجود نداشت و از همین رو مسأله نفت و ملی کردن آن را آسانتر از آنچه که بود می‌پنداشتند و این معنی به روشنی در اظهارات خود دکتر مصدق و رهبران جنبه ملی که این جانب در صفحات ۱۷۴ تا ۱۷۶ کتاب خواب آشفته نفت آورده‌ام انعکاس دارد. اما بخش دوم مبنی بر اینکه دکتر مصدق و یاران او «حداکثرها را پیگیری کردند و گرنه شاید ایران می‌توانست به توافقات مطلوبی با دولت انگلیس دست یابد» محتاج تأمل است. باید پرسید که منظور از «حداکثرها» و «توافقات مطلوب» چیست؟ دکتر مصدق خود را مقید و محدود به چارچوب ملی شدن نفت می‌دانست و در طی مذاکراتی که در امریکا با وزارت خارجه آن کشور داشت حداکثر نرمشی را که در آن چارچوب امکان‌پذیر بود به خرج داد ولی انگلیسیها که به هیچ وجه حاضر نبودند با مصدق کنار بیایند زیر بار نرفتند و تفصیل این ماجرا در فصل مضمّن کتاب خواب آشفته نفت آمده است. هیچ یک از پیشنهادهایی را که انگلیسیها دادند «توافقات مطلوب» نمی‌توان خواند معذک این جانب معتقدم که حق بود که دکتر مصدق آخرین پیشنهاد مشترک بریتانیا-امریکا را می‌پذیرفت. آن پیشنهاد هم توافق مطلوبی نبود اما با توضیحاتی که در پیرامون آن داده شد می‌توانست مبنای چنان توافقی باشد و قبول آن البته ضامن بقای دولت مصدق نبود. مصدق در هر حال می‌رفت اما کشور از بلایاتی که پیامد رد آن پیشنهاد بود مصون می‌ماند و این مختصری است که تفصیل آن در فصل شانزدهم و فصول بعد از آن در همان کتاب آمده است.

(۲) یکی از شکایتهای عمده دولت پیش از ملی شدن نفت این بود که شرکت نفت در قیمت‌گذاری فراورده‌های مورد مصرف داخلی بر مبنای بهای فوب رومانی و خلیج مکزیک اجحاف می‌کند و قیمت بالای این مواد تحمیلی بر بنیة ضعیف اقتصاد کشور است. این شکایت حتی در گزارشی از اجحافات شرکت که در اختیار هرمن گذاشته شده آمده بود. طبیعی بود که دولت پس از ملی شدن نفت اگر قیمتها را کاهش نمی‌دهد دست‌کم تسهیلاتی در توزیع فراورده‌ها قائل

جریان ملی کردن نفت ایران سبب شد که بندوبستهای کار تل بین‌المللی نفت از پرده بیرون افتاد حق ملی کردن به عنوان جزئی از حاکمیت ملل بر منابع ثروت طبیعی خود در سازمان ملل متحد مطرح گردید و بارها در قطعنامه‌های پیاپی آن سازمان مورد تأکید قرار گرفت

شود. اما نظریه‌ای که سؤال دوم بر مبنای آن طرح شده است به هیچ وجه منطقی نیست و برای روشن شدن مطلب توجه به چند نکته زیر ضروری به نظر می‌رسد:

(۱) مجموع تولید نفت ایران در ۱۹۵۰ (بلافاصله پیش از ملی شدن نفت) در حدود ۶۵۰ هزار بشکه در روز بود. اندک مدتی پس از رفتن کارشناسان خارجی که دستگاه تقطیر شماره ۵۰ آبادان به دست مهندسین ایرانی راه‌اندازی شد بازده آن دستگاه تکافوی کل مصرف داخلی را می‌کرد و بدین منظور روزانه ۲۴۰۰۰ بشکه نفت خام به پالایشگاه فرستاده می‌شد که معادل ۱/۲۰۰/۰۰۰ تن در سال می‌شود.

(۲) رشد مصرف داخلی ایران در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ به ترتیب از ۸/۴ و ۸/۲ و ۹/۸ و ۱۸ درصد بیشتر نبوده است و سال ۱۹۵۳ سالی بود که کودتای ۲۸ مرداد در اواسط آن اتفاق افتاد.

(۳) مقدار مصرف داخلی (اعم از نفت و گاز) در حال حاضر به معادل دو میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود. کوهی به این عظمت را نمی‌توان به گردن لاغر مصرف ۲۴ هزار بشکه‌ای در دوره ملی شدن بست.

(۴) در طول ۲۵ سال فاصله میان ۱۹۵۴ و ۱۹۷۹ (از کودتا تا انقلاب اسلامی) طبعاً با افزایش تعداد جمعیت و افزایش تعداد خودروها و ایجاد کارخانه‌ها و رونق اقتصادی مصرف مواد نفتی نیز رو به افزایش بود.

بسیژه آنکه دولت نیز سعی‌کوشید تا مصرف‌کنندگان را از سوخت چوبی و زغالی که موجب انهدام جنگلها بود منصرف گرداند و از این رو در طی این مدت تنها یک بار افزایش جزئی در بهای مواد نفتی مورد مصرف داخلی صورت گرفت. با این همه میزان مصرف در آستانه انقلاب رسمی در حدود ۶۸۰ هزار بشکه در روز بود که البته به این رقم مقداری هم بابت مصرف گاز باید اضافه شود.

(۵) با توجه به ارقام بالا روشن می‌شود که افزایش سهمگین مصرف پدیده‌ای است که در ظرف بیست سال پس از انقلاب رخ داده و مسئول آن نه دکتر مصدق و سیاستهای پسنجاه سال پیش بلکه بی‌تدبیرها و بی‌سیاستی‌های دو دهه اخیر است. در این دو دهه از سوئی قیمت نفت خام بطور متوسط تقریباً دو برابر شده و ارزش دلار که تقریباً ۷۰ ریال بوده به حدود ۸۶۰۰ ریال افزایش یافته ولی در بهای فراورده‌ها تعدیلی که متناسب با آن افزایشها باشد به عمل نیامده است.

(۳) بهره‌برداری از ذخایر نفتی محتاج داشتن سرمایه، تکنولوژی، کارشناس، وسائل حمل و نقل، امکانات توزیع و بازاریابی در سطح جهانی و تجربه و ورزیدگی در مدیریتهای اجرایی و مالی می‌باشد. ایران که نفت خود را ملی کرد هیچ یک از این عوامل را در اختیار نداشت و این خود مسأله‌ای بود که چگونه کشوری پس از نیم قرن که صنعت نفت در آن دایر بود حداقل امکانات بهره‌برداری از این صورت ملی را فاقد بود.

اما این سخن که «شاید به جای ملی کردن نفت دولت می‌توانست به قراردادهای عادلانه‌تری که در بعضی نقاط دیگر دنیا متداول شده بود دست یابد» پاسخ آن را باید از تاربخچه مذاکرات دریافت زیرا مذاکره‌کنندگان ایرانی از آغاز امر اصرار داشتند که قراردادی تازه بر اساس اصل پنجاه-پنجاه که در ونزوئلا قبول شده بود تنظیم شود ولی مذاکره‌کنندگان انگلیس زیر بار نمی‌رفتند و حاضر نبودند که چارچوب قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ را برهم بزنند و بعضی تعدیلات جزئی را در محدوده همان قرارداد مجاز می‌دانستند. حتی بعد از آنکه موافقت‌نامه معروف گس-گلشائیان با فشار شدید شاه بر دولت مساعد تحمیل شد و متعاقب آن نرخ لیبره انگلیس تنزل فاحش

یافت ساعد شخصاً برای راضی کردن مقامات بریتانیایی به جبران زیان حاصل از این کاهش پیش‌بینی نشده به لندن رفت ولی اصرار و الحاح او مؤثر نیفتاد و انگلیسی‌ها ذره‌ای از موضع خود عقب نشستند.

وقتی هم که قرار بود اصل پنجاه-پنجاه در عربستان سعودی به موقع اجرا گذاشته شود جرج مک‌گی معاون وزارت خارجه آمریکا به لندن رفت و کوشید تا انگلیسی‌ها را به نرمی در برابر ایران وادارد اما او هم توفیقی نیافت. به دنبال سفر مک‌گی که در اواخر سپتامبر ۱۹۵۰ صورت گرفته بود اچسن وزیر خارجه آمریکا شخصاً در اواخر نوامبر همان سال پیامی به وزیر خارجه بریتانیا فرستاد و اصرار کرد که انگلیسی‌ها پیش از آنکه قرارداد عربستان سعودی امضا شود با ایران کنار بیایند و اختلاف خود را فیصله دهند و سه روز بعد از پیام اچسن رزم‌آرا با نماینده کمپانی ملاقات کرد ولی کمپانی موضع خود را تغییر نداد بلکه مقامات بریتانیا به دولت آمریکا فشار آوردند که امضای قرارداد با عربستان سعودی را به تأخیر بیندازند تا کار ایران خاتمه یابد.

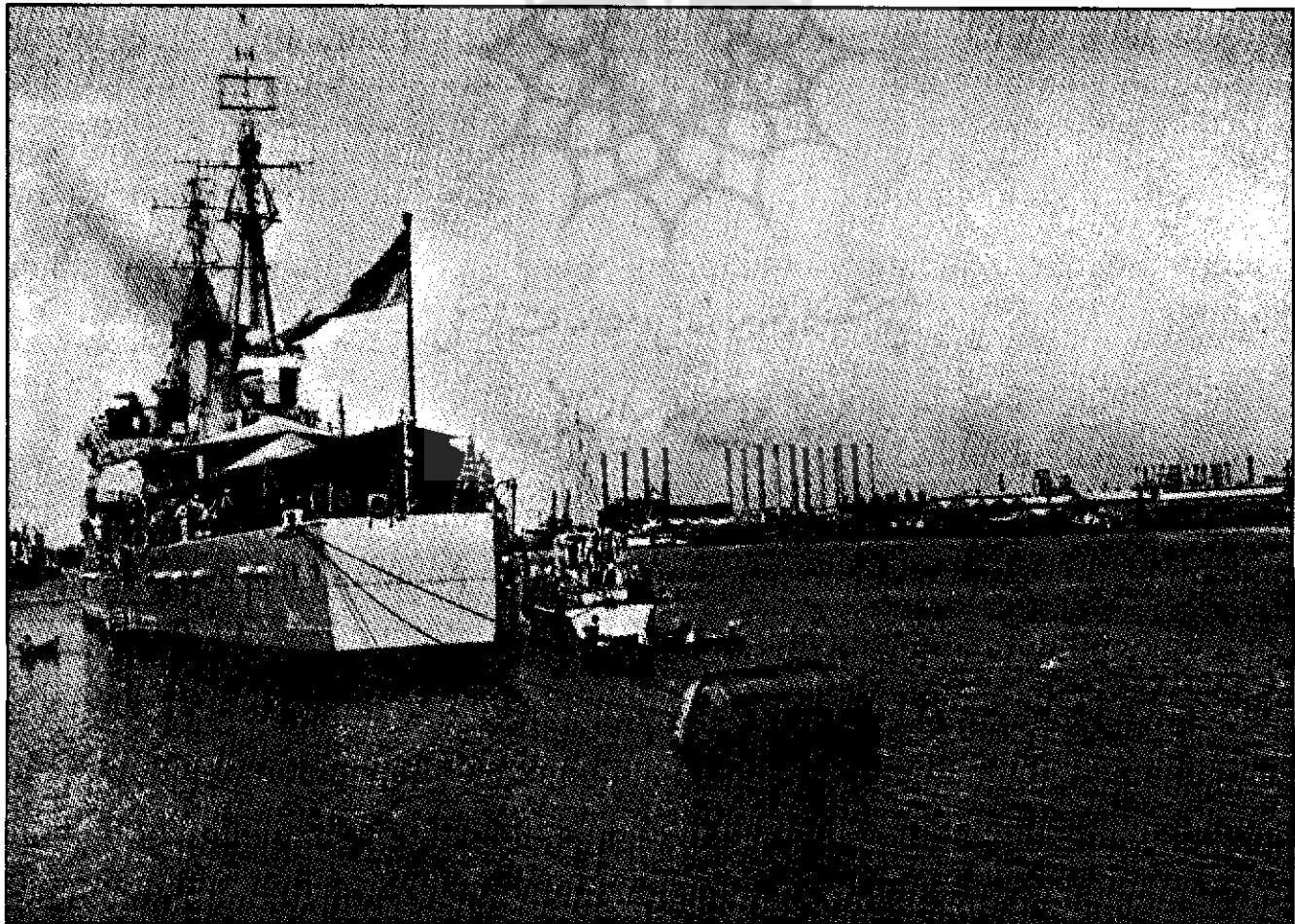
سروانجام در آخر دسامبر ۱۹۵۰ قرارداد عربستان امضا شد و رسمیت آن اعلام گردید و تنها بعد از این ماجراها بود که سفیر انگلیس در ملاقاتی که در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۲۹ (۲۳ فوریه ۱۹۵۱) با رزم‌آرا داشت آمادگی کمپانی را به مذاکره بر اساس تنصیف منافع اعلام نمود اما این پیشنهاد که دیگر خیلی دیر شده بود هیچگاه انشا نشد و ترور رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ماه و تصویب پیشنهاد ملی شدن نفت در جلسه ۱۷ اسفند کمیسیون خاص مجلس فصل جدیدی در این تحولات تاریخی رقم زد.

آنچه مسلم است نه تنها دولت ایران توافقی بر اساس پنجاه-پنجاه را خواستار بود جبهه ملی هم در اوائل کار نظری جز تنصیف منافع نداشت و این نظر در یادداشت مورخ ۱۰ بهمن ۱۳۲۸ مهندس حسینی و نیز در کتاب نیم قرن بردگی اقتصادی نوشته دکتر دانش‌پور که در همان سال ۱۳۲۸ انتشار یافته آمده است. دکتر مصدق خود نیز در ۱۹ آذر ۱۳۳۰ رسماً در مجلس گفت: «اگر شرکت سابق در دوره پانزدهم همین پنجاه درصد را که الان حاضر است به ایران بدهد قبول کرده

بود من یقین دارم که هیچ اختلافی بین شرکت و ملت ایران نبود.» تفصیل این مطالب را نیز در صفحات ۱۰۵ به بعد کتاب خواب آشفته نفت می‌توان یافت.

۴) قرارداد پیش از ملی شدن قراردادی بر مبنای امتیاز بود که بموجب آن صاحب امتیاز از حقوق مالکانه نسبت به نفت برخوردار بود. نفت در مالکیت صاحب امتیاز تولید می‌شد و تصمیم‌گیری درباره آن مطلقاً با صاحب امتیاز بود. قرارداد کنسرسیوم اگرچه با روح ملی شدن نفت هیچ مطابقت نداشت تنظیم‌کنندگان آن کوشیده بودند تا ظاهر امر را مراعات کنند.

قالب حقوقی این قرارداد چیزی نوظهور بود که نظیرش را در هیچ جای دیگر دنیا نمی‌شد پیدا کرد. نفت در مالکیت شرکت ملی نفت ایران تولید می‌شد و اعضای کنسرسیوم خریداران نفت بودند که نفت را به قیمت تمام شده می‌خریدند و در بندر صادراتی ایران به قیمت اعلان شده نوب می‌فروختند و پنجاه درصد منافع را به ایران می‌دادند. عملیات اکتشاف و تصفیه هم دست



ناو انگلیسی موریشس در یک اقدام تهدیدآمیز در کنار بندر آبادان

دو شرکت هلندی بود که به نام شرکت ملی نفت ایران و به عنوان نمایندگی از سوی آن شرکت کار می‌کردند. علی‌رغم این ظواهر شرکت ملی نفت ایران یعنی مالک قانونی نفت در حکم صغیر و محجوری بود که اداره اموالش را دست قیّم سپرده باشند و درآمدی که بر مبنای پنجاه درصد به ایران می‌رسید بیش از درآمدی نبود که در همان زمان عاید عربستان و عراق و کویت می‌شد یعنی ایران پس از تحمل ضربات و صدمات سه سال محاصره اقتصادی و پرداختن غرامات به همان میزان درآمد که دیگران بدون تحمل آن صدمات داشتند رضایت داده بود. اما در مقایسه درآمد مالی قرارداد کنسرسیوم با قراردادی که پیش از ملی شدن وجود داشت، همین اندازه باید گفت که متوسط درآمد ایران از هر بشکه نفت تا پیش از ملی شدن ۱۹ سنت بود ولی متوسط درآمد از هر بشکه نفت در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۶۴ به ۷۷ سنت رسید و این درآمد تا ۱۹۷۰ به ۸۷ سنت افزایش یافت و از آن پس بالاتر رفت. در آستانه انقلاب اسلامی قیمت هر بشکه نفت که از حدود ۱/۷۸ دلار به ۱۲/۸۰ رسیده بود تقریباً ۹۸ تا ۹۸ درصد آن عاید ایران می‌شد و فقط ۱ تا ۲ درصد آن به عنوان اجرت و دستمزد نصیب کنسرسیوم می‌شد.

۵) قرارداد کنسرسیوم مقاصد ملی کردن نفت را برنیآورد و مقررات آن حتی نسبت به برخی از پیشنهادها که قبلاً به دکتر مصدق داده شده بود نامساعدتر بود و بیست سالی طول کشید تا قراردادهای نفتی ایران با استفاده از تحولات بین‌المللی با روح و مفاد اصل ملی کردن نفت سازگار گردد. با اینهمه باید گفت ایرانی اگرچه در ۲۸ مرداد شکست خورد لیکن اطمینان به حق و غرور خود را از دست نداد و ایران با الهام از همان آرمان نهضت ملی در صنف اول مبارزه برای درهم‌شکستن انحصارات نفتی باقی ماند. جریان ملی کردن نفت ایران سبب شد که بندوبستهای کارتل بین‌المللی نفت از پرده بیرون افتاد حق ملی کردن به عنوان جزئی از حاکمیت ملل بر منابع ثروت طبیعی خود در سازمان ملل متحد مطرح گردید و بارها در قطعنامه‌های پیاپی آن سازمان مورد تأکید قرار گرفت. اختیار تصمیم‌گیری درباره بهای نفت در اوائل دهه هفتاد از دست کمپانیاها خارج شد و در اواخر دهه مذکور کمتر اثری از قراردادهای امتیاز در هیچ یک از کشورهای

مهم تولیدکننده نفت برجای مانده بود. حتی شاه، به رغم خصومت شخصی با دکتر مصدق، هیچگاه نتوانست حقانیت نهضت ملی شدن نفت را منکر شود و همواره مدعی بود که او خود در این راه پیشگام بوده و برای تحقق هدفهای آن روشی مناسبتر و عادلانه‌تر را برگزیده است. تفصیل درباره هر یک از نکات بالا محتاج فرصتی است که با خواست خدا باید در موقعیت دیگری حق آن ادا شود.

پاسخ آقای ترکمان

در پاسخ به این سؤال باید چند نکته را متذکر شد:

۱- سابقه و عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس تا مجلس چهاردهم نشانگر آن است که نه تنها شرکت مزبور از پرداخت حقوق حقه ایران استتکاف ورزیده است، بلکه نقش دولتی در دولت را در ایران ایفا نموده است و از راه مداخلات نیز قانونی مشکلات و مصائب فراوان برای کشور و مردم آن فراهم آورده است.

در مجلس چهاردهم پس از تصویب قانون استیفاء حقوق ایران از شرکت نفت مذکور، شرکت هرگز آماده عقد قراری مبتنی بر نصفت و عدالت نگردید تا آنکه قانون طی شدن صنعت نفت در مجلس شانزدهم تصویب شد.

۲- دکتر مصدق از مسائل بین‌المللی و میزان و قدرت نفت ایران در بازار بین‌المللی بی‌اطلاع نبود و بدفعات در پاسخ مدعیان از جمله گفته بود:

در مجلس چهاردهم

پس از تصویب قانون

استیفاء حقوق ایران

از شرکت نفت مذکور،

شرکت هرگز آماده

عقد قراری مبتنی بر

نصفت و عدالت نگردید

تا آنکه قانون

طی شدن صنعت نفت در

مجلس شانزدهم تصویب شد

الف: آنهایی که بیم دارند ایرانیان نمی‌توانند از منابع نفت جنوب مثل شرکت نفت بهره‌برداری کنند، نگرانیشان بی‌مورد است و بر فرض اینکه بجا باشد، چون تاکنون ملت ایران از آنچه شرکت پرداخته سودی نبرده و زیان اعمال نفوذا و خرابکاری‌های شرکت را نیز متحمل شده است، در حقیقت خسارتی نخواهد برد بلکه برعکس بر اثر کوتاه شدن دست شرکت از منابع نفتی ما، کشور ایران از عملیات و تجربیات خانمان‌برانداز و زیان‌بخش شرکت مصون مانده و به پای توانای ملت خواهد توانست ظرف مدت کوتاهی راه تمدن و پیشرفت و ترقی را پیموده و خود را به جلوداران تمدن امروزی عالم برساند.

(ب نقل از لایحه ارائه شده دکتر مصدق در

جلسه ۹۳ مجلس مورخ ۲۶ آذر ۱۳۲۹)

ب: دکتر مصدق در جواب محمدرضا پهلوی که در کتاب «مأموریت برای وطن» مدعی شده است، «مصدق غیر مطلعانه رفتار کرد و تصور می‌کرد نفت ایران را می‌تواند بدون کمک و استعانت خارجیان به بازار جهان عرضه نماید» و «...در آن موقع دولت انگلیس موافقت نمود که کلیه درآمد نفت بالمنافه (پنجاه- پنجاه) بین دو کشور تقسیم شود و اگر مصدق به مذاکرات حسابی و معقول موافقت کرده بود هموطنان من از محرومیت‌های اقتصادی و مخاطرات ناشی از آن در امان می‌ماندند» چنین پاسخ می‌دهد:

«مبارزه‌ای که ملت ایران نمود از نظر تحصیل پول نبود بلکه برای بدست آوردن آزادی و استقلال تام بود و نظر باینکه حل مسأله نفت با شرکت انگلیس مخالف عقیده ملت ایران و آزادیخواهان بود که سالها ابراز شده بود از شخص من ساخته نبود که بازبای شرکت نفت را در معادن ایران باز کنم و افکار عمومی کشور را نادیده بگیرم. فرض کنیم که غرب احتیاج بخريد نفت از ایران نداشت، پس چاره منحصر بفرود این بود که ملت ایران خود در استخراج نفت اقدام کند و یک ملت آزاد بتواند هر طور که صلاح کار خود را بداند عمل کند. چه بسیار از دول که درآمدی از نفت ندارند ولی از آزادی و استقلال و یک زندگی شرافتمندانه برخوردارند.

پذیرفتن اصل ملی شدن صنعت نفت و بهره‌برداری شرکت انگلیس از معادن نفت دو موضوعی است متضاد که غیر از شخص شاهنشاه هیچ فردی قادر نیست آن دو را با هم جمع کند. اگر صنعت نفت ملی شده دخالت

یک شرکت خارجی مورد نداشت و چنانکه شرکت خارجی کماکان در بهره‌برداری از معادن دخالت کند، صنعت نفت ملی نشده و وضعیت همان است که بود. قبل از آمدن استوکس به ایران شرکت سابق نفت با پرداخت ۵۰-۵۰ موافقت کرده بود ولی مجلس شانزدهم از نظر افکار عمومی نتوانست آن را قبول کند و رد نمود.

قرارداد ۵۰-۵۰ و بالاتر از آن ۲۵-۷۵ که شاهنشاه آن را بزرگترین خدمتی می‌دانند که به مملکت فرموده‌اند ارزشی ندارد. چونکه دولت در عمل بهره‌برداری دخیل نیست و شرکت هر قدر که خواست به دولت بدهد عایدات را به همان نسبت قلمداد می‌نماید و کماکان دولت و ملت هر دو تحت استیلای خارجی خواهند بود.»

به نقل از «خاطرات و مقالات مصدق»
صص ۳۶۴ تا ۳۶۶

ج: بیان این نکته که موضع دکتر مصدق حداکثری و غیر قابل نرمش و انتقامجویانه بوده است طبق مستندات و شواهد تاریخی ناصحیح است. دکتر مصدق در جلسه ۱۶۷ مورخ ۲۰ تیر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی در این مورد چنین اظهار داشت:

«اگر مقصود اینست که نفت ایران کماکان برای مصرف جهان آزاد جریان داشته باشد این آرزوی ماست و تا بتوانیم برای رسیدن به این مقصود می‌کوشیم. دولت بارها اعلام داشته که قانوناً مکلف است تا جریان نفت و فروش آن به خریداران سابق قطع نشود و حتی دولت این جانب حاضر شد برای اینکه وقفه‌ای در این امر حیاتی رخ ندهد مختصراً با گرفتن رسید، نفت صادر شود ولی مسئولین شرکت سابق در این راه دست به کارشکنی زده‌اند.

دنیا بداند که مسئولیت قطع جریان نفت با دولت ایران نیست. ما آنچه در قوه داشتیم برای ادامه کار شرکت سابق نفت انجام دادیم، کارشناسان آنها را با همان حقوق و مزایا پذیرفتیم، مقررات شرکت سابق را تا آنجا که با قوانین ایران مغایرت نداشت تنفیذ نمودیم، هرچه بود گذشت کردیم، بیش از این در طاقت ما نیست و می‌دانیم که افکار عمومی جهان نیز بخوبی به این حقیقت پی برده است.»

د: همکاری دربار و عناصر وابسته در مجلسین و نبردهای مسلح و هماهنگی سیاست آمریکا با انگلستان و تشنجات داخلی همانطور که مقامات انگلیسی اشاره

کرده‌اند مانع از توافق میان دولت ایران که خواستار استیفای حقوق ملت ایران بود و دولت انگلیس که خواهان حداکثر غارت منابع کشور بود شد. اگر دربار علیه دولت ملی توطئه نمی‌کرد، راهی جز توافق برای دولت انگلیس با دولت ایران باقی نمی‌ماند. دکتر مصدق در همین زمینه در خاطراتش

صفحه ۲۷۰ می‌نویسد:
«ای کاش دستخط عزل صادر نشده بود تا ببینند کارها چطور بصلاح مملکت تمام و کلیه عواید نفت نصیب ملت ایران می‌شود. چنانچه تصور می‌نمودند دولت موفق نمی‌شود باید صبر می‌کردند تا دولت خود اظهار عجز کند. عزل دولتی که با یکی از دول بزرگ دنیا در مبارزه بود و حتی از گرفتن ۲۱۴ پنس هم مأیوس شده بود (نطق وزیر خارجه انگلیس) هیچ معنا نداشت جز اینکه مبارزه به فتح آن دولت و شکست ملت ایران تمام شود و من باز تکرار می‌کنم اگر کوچکترین احتمالی در عدم موفقیت می‌دام بهترین بهانه برای کناره‌جویی از کار همان دستخط شاهانه بود...»

ه: اگر دکتر مصدق کوچکترین انحرافی از مصوبه مجلس شانزدهم درباره تانوم ۹ ماده‌ای ملی شدن صنعت نفت و خلع ید بعمل می‌آورد، قبل از همه، توسط عوامل وابسته به شرکت نفت و درباره مورد انتقاد و نسبت خیانت به ملت و منافع ملی و سازش با انگلستان قرار می‌گرفت و دولت او ساقط می‌گشت!

۲- لازمه صدور حکمی مبنی بر «توسعه بی‌رویه مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران» در ایام نخست‌وزیری دکتر مصدق نیازمند ارائه آمار و ارقام است.

با توجه به رشد تولید ملی در ایام مذکور، اگر فرآورده‌های پالایشگاه آبادان در خدمت بخش تولید بکار گرفته شده باشد، امری مستحسن و میمون بوده است.

نگارنده با توجه به شواهد و قرائن می‌تواند مدعی شود که در دوره مذکور، مصرف فرآورده‌های نفتی در بخش‌های غیر تولیدی برخوردار از «توسعه» نبوده است.

۴- ملت ایران خواهان استقلال اقتصادی اعمال و حاکمیت خود بر کشور و منابع آن بود و برای همین جانبداری از خلع ید از شرکت نفت و ملی شدن صنعت نفت بود. اگر قرار بر مقایسه باشد باید سال قرارداد دولت کودتا با کنسرسیوم و قانون ملی شدن صنعت نفت بعمل آید، نه با قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳)

که توسط مجلس فرمایش نهم و دستور رضاخان به تصویب رسیده بود.

دکتر مصدق بارها قرارداد با کنسرسیوم را زیان‌بارتر از قرارداد گس-گلشائیان معرف کرد. او در پاسخ به شاه در این باره از جمله می‌نویسد: «این قرارداد که روی صلح ۵۰-۵۰ گس-گلشائیان که مجلس پانزدهم آن را تصویب نکرده بدتر است». ص ۳۸۴، «خاطرات و تألمات»

۵- در صورت وجود مجلس متشکل از نسامیندگان مسردم و دولت منتخب آن نمایندگان قطعاً امکان بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی و... فراوانی در مذاکرات نفتی برای ملت ایران فراهم می‌آمد.

اما متأسفانه بدلیل فقدان مجالس و دولتهای دارای اوصاف فوق و حتی مجازات و زندان و قتل و تبعید فعالان نهضت ملی شدن صنعت نفت توسط دولتها و مجالس برآمده از کودتای انگلیسی-امریکایی و ارتجاعی ۲۸ مرداد، چنین امکانی فراهم نیامد.

با این همه، به یمن مبارزات ملت ایران در نهضت ملی شدن صنعت نفت، در سالهای بعد دستیابی به درآمدهای افزودنی برای کشورهای نفت خیز منطقه از جمله ایران، خصوصاً در دهه ۴۰ و ۵۰ ممکن گردید.

اما اینکه از درآمدهای مذکور، در جهت توسعه همه‌جانبه و پایدار و استقلال ایران و کشورهای مذکور بهره گرفته شد یا خیر، جواب آن منفی است.

پاسخ آقای خسروی‌زاده

مقدمه

عطف به نمابری که ارسال فرموده طی آن از من هم خواسته بودید تا به سؤالاتی در زمینه ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران و آثار تبعی آن پاسخ گویم با سپاس، مطالبی را به پیوست ایفاد داشته یادآور می‌گردم که نگارنده در آن زمان دوران خوش شیب را می‌گذراندم و به مناسبت شغلی، صنفی، ملی و سیاسی غرق در رویدادها و رویاهای تلخ و شیرین نهضت عظیم ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بودم و در متن و بطن کلیه رویدادها به طور رسمی و تا حدی مکتوب قرار می‌گرفتم و لذا خلاصه کردن خاطرات مطلوب و نامطلوب آن در چند سطر برایم امکان‌پذیر نبود. لذا متن پیوست تهیه شد که

هر طور که صلاح بدانید تلخیص فرمایید و قبلاً از این محبتی که خواهید فرمود صمیمانه سپاسگذاری می‌نمایم. در اینجا بد نیست به دو نکته‌ای که در جوابها بدانها اشاره نشده اشاره کنم و آن اینکه بهترین پیشنهادی که برای حل مشکل به ایران ارائه شد از طرف آقای استوکس مهرداد سلطنتی انگلیس بود که دولت وقت از بیم تکرار حوادث ناگوار گذشته که حاکمیت ملی را خدشه‌دار می‌نمود با استناد به دلایل مکتوب واهی از قبول آن استکفاف کرد و پس از آن، پیشنهاد بانک بین‌المللی بود که حاضر شده بود صنایع نفت کشور را با شرایط خاصی برای مدت دو سال اداره کند تا طی این مدت ایران و انگلیس بتوانند به راه حل مناسبی دسترسی پیدا کنند و این پیشنهاد هم به علت کج‌اندیشی بعضی از مشاورین خیرخواه مورد قبول واقع نشد.

شرکت سابق نفت برای حفظ منابع خود در تمام شئون مملکت از دخالت در انتخابات نمایندگان مجلس، عزل و نصب مسئولین رده بالا گرفته تا زیرسلطه گرفتن مقامات پایین‌تر خودداری نمی‌کرد

فرآورده به نحوی تشویق می‌شد، باید گفت که ابدأ اینطور نیست ظرفیت پالایشگاه آبادان در آن زمان حدود ۴۵۰ هزار بشکه در روز بود در حالیکه مصرف چهار فرآورده اصلی طی سالهای ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۲ به ترتیب ۱۷۵۶۰، ۱۸۹۵۰، ۲۰۸۸۰ و بالاخره ۲۴۷۰۰ بشکه در روز بود و روغن و قیر و سایر فرآورده‌های جانبی هم مصرف چندانی نداشتند. لذا مصرف داخلی تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست ۴۵۰ هزار بشکه تولیدات آن پالایشگاه را جذب کند اما شرکت سابق نفت در آن زمان اعلان کرده بود با بیرون رفتن کارشناسان انگلیسی ایرانیها قادر به بهره‌برداری از صنایع نفت نیستند. لذا برای نشان دادن توانایی‌های کارشناسان ایرانی در آستانه عزیمت دکتر مصدق به شورای امنیت بزرگترین و پیچیده‌ترین واحد تقطیر و واحدهای مرتبطه برای تولید فرآورده توسط کارشناسان ایرانی بکار انداخته شد که در دنیا انعکاس بسیار مطلوبی داشت و مرحوم دکتر مصدق هم از این موضوع بهره‌برداری فراوانی بعمل آورد و پس از مدتی چون کشور توانایی جذب محصولات این واحد را نداشت واحدهای کوچکتری بکار انداخته شدند و بقیه پالایشگاه و مناطق نفت‌خیز تا بازگشت کارشناسان کنسرسیوم بسته بودند اما اقدامات بسیار گسترده‌ای برای جلوگیری از زنگ‌زدگی و محافظت از این دستگاهها معمول گردید، بطوریکه در آن زمان رسماً اعلام اینهمه توانایی مورد بهت و حیرت کارشناسان جهانی کنسرسیوم قرار گرفته بود (اسراف در مصرف فرآورده‌های نفتی به دلایل کاملاً سیاسی از اواخر دهه ۳۰ مورد تشویق قرار گرفت که اکنون مجالی برای بحث درباره آنها وجود ندارد اما مسئله، جلوگیری از این انهدام بی‌رویه جنگلها و جایگزین کردن فرآورده‌های نفتی با چوب و زغال جنگلی و نیز فضولات حیوانی به شدت مورد توجه و پیگیری مستمر و سالم مسئولین مربوطه قرار گرفته بود.

خواست تا منابعی را در اختیارش گذارند تا بتواند پیرامون مسائل اقتصادی و بین‌المللی نفت به تحقیق پردازد و آنان وی را به روابط عمومی مصرف کردند و روابط عمومی هم گزارشات سالیانه چند سال آن شرکت را در اختیارش قرار داد و او با استفاده از اطلاعات بسیار محدود موجود در آن گزارشات مطالبی می‌نوشت و در اختیار مرحوم حسین مکی قرار می‌داد و وی آنها را چندین روز متوالی در پشت تریبون مجلس می‌خواند تا عمر مجلس به پایان رسید و در دوره بعد باز هم فراکسیون جبهه ملی از همین اطلاعات بسیار محدود استفاده کرد و با استفاده از فضایی که در اثر ترور رزم‌آرا بوجود آمده بود قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب پارلمان گذراند. بطور کلی قبل از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت شرکت سابق نفت با پشت گرمی از حامیان فراوانی که در هیئت حاکمه داشت حاضر به دادن امتیازات قابل توجهی نبود و لذا ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور با توجه به شرایط آن زمان بسیار بجا بود و بخصوص شوروی سابق هم دیگر نمی‌توانست انتظاری برای گرفتن امتیازی برای نفت شمال داشته باشد و این حرکت اثرات عظیمی در کشورهای تحت سلطه استعمار داشت و حرکت‌های بعدی گردید.

۲- درباره اینکه به علت جلوگیری از تعطیلی پالایشگاه آبادان مصرف بیشتر

اظهار نظر درباره سؤالات مطرح شده پیرامون صنعت نفت و آثار تبعی آن

۱- باید در نظر داشت که در سالهای قبل از ملی شدن صنعت نفت تعداد جمعیت نفت نسبت افراد شهری به روستائی، میزان باسوادان کشور و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قابل مقایسه باید در نظر داشت که در سالهای قبل از ملی شدن صنعت نفت تعداد جمعیت کشور، نسبت با امروز نبود مسائل مربوط به نفت، بخصوص مسائل جهانی آن ابدأ در کشور شناخته شده نبود و اگر برحسب اتفاق محقق می‌خواست پیرامون این مسائل به تحقیق پردازد منابعی برای این منظور نه تنها در ایران بلکه در خیلی دیگر از کشورهای جهان وجود نداشت. لذا برای قضاوت در این منظور نه تنها در ایران بلکه در خیلی دیگر از کشورهای جهان وجود نداشت. لذا برای قضاوت در این زمینه باید بتوان خود را در آن فضا قرار داد و بعداً اظهار نظر کرد. در آن زمان کارشناسان آشنا به مسائل بین‌المللی نفت نه تنها در ایران و منطقه وجود نداشتند، بلکه در بین کارشناسان ایرانی شاغل در صنایع نفت کشور هم از یک یا دو نفر تجاوز نمی‌کرد که آنها هم خوش‌نام نبودند.

وقتی لایحه (گس-گلشائیان) تقدیم مجلس شد و نمایندگان می‌خواستند درباره آن اظهار نظر کنند هیچگونه اطلاعی در این زمینه در دسترس حتی دولت و وزارت دارایی هم نبود. لذا مرحوم مهندس حسینی به شرکت سابق نفت مراجعه کرد و از آنها

۳- تنها مسائل مالی نبود که دولت ایران را مجبور به ملی کردن صنعت نفت می‌نمود زیرا شرکت سابق نفت برای حفظ منابع خود در تمام شئون مملکت از دخالت در انتخابات نمایندگان مجلس، عزل و نصب مسئولین رده بالا گرفته تا زیرسلطه گرفتن مقامات پایین‌تر هم خودداری نمی‌کرد. هیچ

استاندار، فرماندار، بخشدار، رئیس فرهنگستان و شهرستان، وزیر کار و رئیس اداره کار استان، مقامات قضائی، نظامی و انتظامی مناطقی که شرکت سابق نفت در آن به نحوی منافی داشت بدون تأیید شرکت سابق نفت منصوب یا معزول نمی‌شدند، برای مثال آقای دکتر مصباح فاطمی سالها استاندار خوزستان بود و با وجودی که مسئولین مملکتی از نحوه کار او رضایت نداشتند قادر به تعویض او نبودند. مقامات بالای استان حتی پس از آنکه بازنشسته می‌شدند در شرکت سابق نفت مشغول به کار می‌شدند که چون همگی دار فانی را وداع گفته‌اند از ذکر نام آنان خودداری می‌شود. علاوه بر آن این شرکت در ظاهر بمنظور جلوگیری از خراب‌کاری در چاههای نفت و تأسیسات مربوط به آن و نیز خطوط لوله قابل نصب به کلیه رؤسای قبال و عشایر و دیگر رده‌های شاخص آنها و نیز افرادی از آنها که واجد خصیصه‌هایی بودند که می‌شد از آنها در جهت منابع آن شرکت سود برد و نیز حزب توده ایران که به توده نفتی معروف بودند و بعداً اسناد مربوط به آن از خانه رئیس شرکت مزبور در تهران به دست آمد مقرری‌های کلانی پرداخت می‌نمود و در مواقع ضروری از حمایت و خدمات آنان بهره‌برداری می‌کرد.

۴- در قرارداد قبلی سهم ایران از درآمدهای حاصل از فعالیتهای شرکت سابق نفت در ایران تنها ۱۶٪ بود و این در حالی



دکتر مصداق در یکی از تظاهرات ملی شدن نفت در کنار مجلس

کشور را پایمال می‌نمود خودداری گردید. و آموزش کسارکنان ایرانی و واگذاری مسئولیتهای کلیدی صنعت به آنان هم از نکات مثبت دیگری بود که می‌توان به آن اشاره کرد.

۵- متأسفانه دولتهای بعدی نخواستند یا نتوانستند از آثار تبعی نهضت ملی شدن صنعت نفت بهره‌برداری مطلوب کنند و این تنها پس از تشکیل مدیریت امور بین‌المللی و امور بازاریابی و صادرات در شرکت ملی نفت ایران، کودتای مصر، لیبی و عراق در منطقه و روی کار آمدن آقایان عبدالناصر، محمد قزافی و عبدالکریم قاسم در این کشورها و تشکیل اوپک و رفت‌وآمد کارشناسان ایرانی به مجامع بین‌المللی بود که اولاً از تجارت و تبعات ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور در ایران و منطقه استفاده شد و ثانیاً یک لایه کارشناسی ارزنده در امور جهانی نفت در کشور بوجود آمد که با سیاست‌ها و تعاملات بین‌المللی نفت آشنا شد و به تدریج توانست از آثار و تبعات ملی شدن صنعت نفت در کشور استفاده کنند و کشورهای نامبرده هم نیز به مقیاس وسیعی از این تجارب در جهت طرد استعمار استفاده مطلوب به عمل آوردند و در اوایل دهه ۱۹۷۰ ایران با کمک سایر کشورهای عضو اوپک و بهره‌گیری کارشناسان ایرانی و غیر ایرانی از تجارب ناشی از ملی شدن صنعت نفت در ایران موفقیت‌های شایان توجهی به دست آوردند.

بود که سوخت نیروی دریایی انگلیس از محصولات پالایشگاه آبادان به قیمت تمام شده تأمین می‌شد در حالیکه به تمام ایراداتی که به حق به قرارداد کنسرسیوم وارد است اولاً بهره مالکان به میزان ۲۰ یا ۲۵ درصد نفت خام تولیدی (بدون منظور نمودن هزینه‌های مختلف تولید آن) به دولت می‌توانست آنرا مستقلاً در بازارهای جهانی به فروش می‌رساند یا قیمتهای اعلان شده یا (posted price) که خیلی بیشتر از قیمتهای فروش بود به کنسرسیوم بفروشد و به علاوه از درآمد حاصل از فعالیتهای خود پس از کسر هزینه‌ها ۵۰ درصد به عنوان مالیات به دولت ایران پرداخت نماید به علاوه از تکرار دخالت‌های وسیعی که شرکت سابق نفت در کلیه شئون مملکتی می‌کرد و حاکمیت ملی



جدول ۱- تولید نفت خام در جهان قبل و بعد از ملی شدن نفت ایران (هزار تن)

سال	آفریقا	شوروی سابق- چین- اروپای شرقی	اروپای غربی	آمریکای جنوبی	حوزه کارائیب	خاورمیانه	آمریکا	شرق دور	سایر کشورها	کل
۱۹۴۵	۱۵۲۰	۳۷۵۰۹	۱۱۲۰	۵۰۰۹	۵۳۵۵۴	۲۵۶۵۰	۲۳۱۸۰۹	۲۰۳۳	۷۲۲۵	۳۶۵۳۲۹
۱۹۵۰	۲۳۸۰	۴۲۸۳۴	۳۶۶۸	۵۸۰۰	۸۷۵۵۹	۸۶۰۷۶	۲۲۱۱۰۹	۱۱۶۴۹	۱۴۰۸۹	۵۲۵۱۳۴
۱۹۵۵	۱۹۳۲	۸۴۵۲۵	۹۶۶۰	۷۰۲۹	۱۲۲۰۰۵	۱۸۰۲۷۷	۳۳۳۵۶۹	۱۳۷۲۳	۳۰۲۵۴	۷۶۸۹۲۴

جدول ۲- تولید نفت ایران قبل و بعد از ملی شدن نفت (هزار بشکه در روز)

سال	قیمت
۱۹۲۵	۹۳
۱۹۵۰	۶۶۴
۱۹۶۰	۱۰۵۴

جدول ۳- متوسط قیمت نفت خام قبل و بعد از ملی شدن نفت ایران (دلار / بشکه)

سال	قیمت
۱۹۴۹	۱/۸۴
۱۹۵۰	۱/۷۱
۱۹۵۱	۱/۷۱
۱۹۵۲	۱/۷۱
۱۹۵۳	۱/۹۳

جدول ۴- ظرفیت پالایشی جهان قبل و بعد از ملی شدن نفت ایران (هزار بشکه در روز)

کشور	۱۹۳۸	۱۹۵۴
آمریکا	۳۲۰۴	۶۹۸۰
کارائیب	۳۸۱	۱۳۲۱
اروپای غربی	۲۷۵	۱۹۸۵
خاورمیانه	۲۰۰	۵۸۷
سایر	۱۳۰۸	۲۹۰۹
کل	۵۳۶۸	۱۳۷۸۲

جدول ۵- وضعیت تولید انرژیهای اولیه قبل و بعد از ملی شدن نفت ایران (میلیون تن معادل نفت خام)

سال	زغال سنگ	لیگنیت	نفت	بنزین طبیعی	گاز طبیعی	هیدروالکتریک	کل
۱۹۵۰	۹۶۹	۷۵	۴۵۳	۱۴	۱۷۴	۲۸	۱۷۱۳
۱۹۵۱	۱۰۱۶	۸۳	۵۱۳	۱۵	۲۰۶	۳۰	۱۸۶۳
۱۹۵۲	۹۹۹	۸۸	۵۴۰	۱۵	۲۲۲	۳۳	۱۸۹۷
۱۹۵۳	۱۰۰۰	۹۴	۵۷۰	۱۶	۲۳۳	۳۵	۱۹۴۸